یادداشت

مزدترس

ادامه از صفحه اول

شاید هم فرمایشات امام‌جمعه موقت تهران در نماز جمعه و افرادی دیگر که اعلام کردند مسئله خشک‌سالی دروغ و ترفند استکبار است و خشک‌سالی پایان یافته و در ترسالی هستیم را ایشان و دولت ایشان باور کرده‌اند که هیچ اقدامی نکردند.

اما حقیقت چیز دیگری است؛ دولت از مردم و سایر نهادها می‌ترسد بنابراین دست به هیچ اقدامی نمی‌زند. از مردم می‌ترسد لذا سالانه هشت میلیارد دلار بنزین وارد می‌کند. از قاچاقچیان می‌ترسد لذا در مقابل قاچاق سوخت ساکت است. دولت از برخی نهادها و آدم‌ها می‌ترسد و فضای مجازی را باز نمی‌کند. دولت از مردم می‌ترسد لذا نسبت به کنترل آب هیچ اقدامی نکرده و نمی‌کند. دولت از خود دولتی‌ها و بعضی‌های دیگر می‌ترسد و آنها که برق را برای استخراج بیت‌کوین مصرف می‌کنند، آزاد هستند. دولت به قیمت بنزین دست نمی‌زند (حالا اینکه برخلاف نظرات کارشناسان دولتی افزایش قیمت بنزین در صرفه‌جویی سوخت و قاچاق چقدر مؤثر است، جای خود دارد) چون از مردم می‌ترسد. این ترس‌ها مزد دارد (مزد ترس نام فیلم معروفی در سال ۱۹۵۳ و ۲۰۱۴ است) خلاصه اینکه دولت به خاطر ترس‌هایش از دست‌زدن به هر ابتکاری خودداری می‌کند و در این میان فرصت‌طلبان به‌جای آنکه راه‌حل مسائل را به دولت بدهند، می‌خواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. یکی در مجلس مسئله عدم کفایت سیاسی را مطرح می‌کند در حالی که رئیس‌جمهور صراحتا اعلام کرده که تابع مطلق سیاست‌های رهبری است و دیگری می‌خواهد با دولت سایه خودخوانده (که معلوم نیست دولت سایه چه وجه قانونی دارد) و با انقلابی‌نمایی بدون آنکه به مسائل داخلی ناشی از سیاست‌های ظاهرا انقلابی و خسارت‌هایی که از تصمیمات خود او به کشور وارد شده اشاره کند، اعلام حضور می‌کند.

ترجیع‌بند ایشان صرفا انقلابی‌گری و مبارزه با آمریکاست اما درباره آنچه مترادف مبارزه با آمریکا باید در داخل کشور عمل شود، فقط به تولید خیالی پوشاک در همه روستاهای ایران و صدور توهم‌آمیز ۱۲ میلیارد دلار صیفی‌جات به روسیه تأکید می‌کند. اصل مقاومت و مبارزه با استکبار و صهیونیسم امری مقدس و از اصول صحیح است اما در این راه با تسامح در ساماندهی داخلی صدها میلیارد دلار خسارت به کشور وارد شده و در برابر توطئه‌های آمریکا و حتی تجاوز نظامی به ایران هیچ سازوکار داخلی برای مقاومت نیندیشیده‌ایم و ایشان هرگز راه‌حلی برای مسائل داخلی که روزبه‌روز عمیق‌تر و خطرناک‌تر می‌شود، ارائه نمی‌دهد و ظاهرا تابع نظریه، «خرج که از کیسه مهمان (ملت) بود، حاتم طایی شدن آسان بود» است و شعار انقلابی‌گری بدون ارائه راه‌حل‌های داخلی و تجهیز اجتماعی داخلی و روش‌های مربوطه را می‌دهد؛ چراکه فکر می‌کند پول نفت را خرج می‌کنیم.

حقیقتا با ادامه سیاست‌های بی در و دروازه و شلخته‌بودن اجتماعی، ایران در آینده و به تبع آن جمهوری اسلامی در خطر واقعی خواهد بود. مطلقا نمی‌توان در سیاست خارجی با ابرقدرت‌ها مبارزه کرد و در سیاست‌های داخلی موضعی انفعالی و شبه‌لیبرالیستی و پوپولیستی و رانت‌خواری و گسترش فساد و شلخته‌مداری را داشت. پدیده بی‌آبی نشانه بارزی از این نوع بی‌بندوباری و شلختگی در عین آگاهی به آن و واضح‌بودن آن است. در کنار خشک‌شدن دریای آب کشور، کوه نقدینگی و قله زیان انباشته بانک‌ها و تفاوت طبقاتی و فقیرشدن مردم و بی‌سیاستی حکمرانی کاملا خود را نشان می‌دهد و دولت و مجلس خود را سرگرم جزئیاتی که نپرداختن به آن حداقل زیان‌بار نیست، کرده‌اند و دولت دل‌خوش است که درددل می‌کند و مدعی بی‌تجربه و خام دولت سایه خیالی مدعی پیشتازی در انقلابی‌گری بدون توجه به خطرات داخلی است. مشکل اصلی آن است که جرئت شناخت مسائل کشور را نداریم. آیا دیده‌اید مسئولی در صداوسیما صراحتا از مسائل داخلی کشور سخن بگوید و به خود و دیگر مسئولان و مردم هشدار دهد و راه‌حل آن را بخواهد یا بیندیشد؟

برعکس مشغول افتتاح و سخنرانی و همایش و جلسات بی‌حاصل طویل و دعواهای سیاسی هستند و چنین وقت خود را تلف می‌کنند و فرصت‌طلبان که بدون اندیشه ملی و حفظ ایران هستند، به خیال خود بر کرسی صدارت تکیه خواهند زد. اما آیا اندکی اندیشیده‌اند که صدارت بر خرابه‌ها در کجای عالم مایه فخر و مباهات است؟

برای فؤاد شمس عزیز

ادامه از صفحه اول

سیستم طوری طراحی شده که صرفا افراد بله‌قربان‌گو می‌خواهد. متأسفانه افراد صادق، وطن‌دوست و کارآمد را حذف می‌کنند. تجربه شخصی من نشان داده صادق و کارآمد باشی، حذف می‌شوی. البته من اصلا آدم مهمی نیستم. اما تجربه شخصی خودم را می‌گویم. من دست‌کم ۲۰ سال است که درگیر این موضوع هستم و کلی انرژی و اعصاب و روانم مخدوش شده است. اهل سروصدا هم نبودم. اما الان در این گروه می‌نویسم و خواهشا بیرون هم منتقل نشود.* یک بار از دانشگاه اخراج شدم؛ دوره لیسانس. دو باره کنکور دادم با رتبه بهتر، دانشگاه بهتر قبول شدم. در دانشگاه تهران در مقطع لیسانس جزء سه رتبه برتر ورودی خودم بودم. براساس قانون استعدادهای درخشان بدون کنکور می‌توانستم دوره ارشد همان رشته بروم. اجازه ندادند. کنکور ارشد دادم و رتبه چهار شدم. اما باز ستاره‌دار شدم و محروم از تحصیل. سال ۹۲ به لطف آقای فرجی‌دانا که برای همین موضوع استیضاح شد، اجازه یافتم برگردم دانشگاه اما به من گفتند باید دوره شبانه ثبت‌نام کنی. خواستم اعتراض کنم و بگویم حق من روزانه است. اما پدر مرحومم چون باتجربه بود، گفت: همین فرصت اندک را هم از دست نده. شبانه ثبت‌نام کردم. بعدش سال ۹۷ دوباره کنکور دکترا دادم. همان زمان، هم کرج و هم تهران... من را احضار کرد و به من فهماند که احتمالا اجازه تحصیل ندارم. من هم رها کردم. رفتم سر کار. حدود هفت سال به صورت شرکتی در شهرداری کرج مشغول به کار بودم. و بارها و بارها همین اندک آب باریکه را هم به رویم بستند. حالا با وساطت‌های مختلف هنوز به صورت موقت کار می‌کنم. پدرم فوت کرد. مشکلات خانوادگی و مالی بیشتر شده. مسئولیت خانواده روی دوشم بیشتر شده. پدر من ۱۳ ماه سابقه جبهه داشت. اما هیچ وقت از آن استفاده نکرد. من فکر کردم دست‌کم از قانون تبدیل وضعیت ایثارگری استفاده کنم. اما بدتر شد. همین چند وقت پیش نامه دادند به من از گزینش شهرداری کرج که صلاحیت عمومی نداری... . حالا باز هم ببینم چه می‌شود. شاید خدا بزرگ باشد و دست‌کم همین شرکتی‌بودن را از دست ندهم. کنکور دکترا دادم امسال و رتبه ۱۰ آوردم. فعلا برای مصاحبه دانشگاه‌های خوب رشته خودم اقدام کرده‌ام. اما احتمال می‌دهم اینجا هم رد بشوم. خب، واقعا در چنین شرایطی آیا انگیزه و توان و روحیه برای من می‌ماند که کار مفیدی برای کشورم بکنم؟ به هر صورت، من که شخصا تسلیم شده‌ام و واقعا بدون هیچ اغراقی امیدی ندارم و تسلیم شده‌ام و خودم را به دست خدا سپرده‌ام و امیدی به هیچ‌کس ندارم. اسمم را از روی این آیه قران انتخاب کردند «ما کذب الفؤاد ما رأی»؛ «دل در آنچه دید دروغ نگفت». خداوند شاهد است هیچ دروغی نگفتم، جز آنچه در دلم دیده‌ام... . ان‌شاءالله خود خدا به همه ما کمک کند».

شادی روح او را از درگاه خداوند منان مسئلت می‌کنم و به خانواده آن عزیز سفرکرده و تمام همکاران و دوست‌دارانش تسلیت می‌گویم.

*** اکنون که او در قید حیات نیست، به خود اجازه دادم تا رنج او را به سمع و نظر هم‌وطنان برسانم.**

کاهش قابل ملاحظه درآمد و رشد تصاعدی هزینه اداره کشور، دولت را برای تنظیم سند دخل و خرج سال آینده با موانع بزرگی مواجه کرده است

بن‌بست بودجه

مهفام سلیمان‌بیگی: به نظر می‌رسد که دولت گرفتار بن‌بست بودجه شده است؛ از یک سو فعال‌شدن مکانیسم ماشه و تشدید تحریم، تحقق درآمدهای نفتی کشور را دشوار کرده و از سوی دیگر قیمت جهانی نفت ریزش کم‌سابقه را تجربه می‌کند. افزایش درآمد از محل مالیات هم در اقتصاد گرفتار رکود و نااطمینانی دشوارتر از همیشه است و فروش اوراق و انتقال بدهی دولت به آینده هم ظرفیتی است که در سال‌های گذشته به حد اشباع استفاده شده است. سوی دیگر این ماجرا بار تورمی سنگینی است که فسادهای بزرگ به اقتصاد کشور تحمیل می‌کنند و دولت ناچار است برای جبران بخشی از این فشار بر معیشت مردم، ارقام بزرگی را به عنوان یارانه نقدی، کالابرگ، یارانه ارزی و مابه‌التفاوت قیمت دستوری و قیمت واقعی بپردازد که نه‌تنها بار سنگین مالی بر دولت ایجاد می‌کند، بلکه خود زمینه‌ساز فسادهای تازه است. بخش دیگری از این گرفتاری در بخش هزینه است که ذی‌نفعان متعدد و سهم‌خواهی آنها از بودجه اجازه نمی‌دهد دولت برای مهارکسری بودجه، هزینه‌های خود را کاهش دهد.

عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری

بار سنگین فساد

چندی پیش خبر ادغام بانک آینده شنیده شد؛ بانکی که به‌تنهایی ۲۵ درصد از تورم یک‌ساله کشور را ایجاد کرده است. طبق گزارش‌های بانک مرکزی پاک‌شدن رد پای همین یک فقره گرفتاری از اقتصاد، می‌تواند ۴۲ درصد از اضافه‌برداشت‌ها و ۴۱ درصد از ناترازی سرمایه کل شبکه بانکی را رفع کند. البته روی دیگر سکه هم این است که با تکرار تجربه‌های گذشته در مدیریت فرایند گزیر و انحلال، بیش از سه‌هزارو ۷۰۰ هزار میلیارد تومان به نقدینگی کشور اضافه کند و بار دیگر تورم چشمگیری را به دوش مردم تحمیل کند. ماجرا به همین‌جا ختم نمی‌شود و شبهاتی درباره خروج سنگین منابع از بانک آینده، آن‌هم درست در آستانه انحلال این بانک شنیده می‌شود؛ میثم ظهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، این رقم را حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان دانسته است. از آن سو حکم جدید پرونده بانک سرمایه، بار دیگر این زخم قدیمی اقتصاد کشور را تازه کرد؛ آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد که درحال‌حاضر محمدرضا جهانبانی، متهم ردیف اول در پرونده بانک سرمایه، بیش از پنج هزار میلیارد تومان به بانک سرمایه بدهی دارد که در طبقه مشکوک‌الوصول قرار گرفته است و دیگر به بانک برنمی‌گردد. حالا همین متهم بعد از چندین سال در مجموع فقط به پرداخت کمتر از نصف بدهی خود به بانک سرمایه محکوم شده است! از سوی دیگر معاون تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی خبر داده که پرونده‌های متعددی برای افراد متخلف در بازار نهاده‌های دامی تشکیل شده و در حال پیگیری است. پرداخت ارز ترجیحی و درواقع یارانه سنگین ارزی از بودجه کشور، اولین بار نیست که چنین تخلفات بزرگی به بار می‌آورد؛ پرونده چای دبش نمونه دیگری از این تخلفات است یا تخلفات بزرگی که با ارز ترجیحی چهارهزارو ۲۰۰ تومانی رخ داد و شرکت‌های صوری متعددی که بخش بزرگی از منابع کشور را با عنوان یارانه ارزی به جیب زده‌اند. به‌تازگی هم اخباری شنیده می‌شود مبنی بر اینکه بابک زنجانی کمتر از یک درصد از بدهی خود را پرداخته است. تبعات این فسادهای بزرگ اما به صورت کسری بودجه یا تحمیل تورم سنگین به جیب عموم مردم کشور بوده است؛ تا آنجا که امروز مطابق گزارش بانک جهانی ایران هم‌اکنون در فهرست ۱۰ کشور جهان با بیشترین نرخ تورم قرار دارد. نرخ تورم در شهریور و مهر امسال هشداردهنده شد. تورم در مهرماه به ۴۵.۳ درصد رسیده است؛ عددی که از میانگین ۱۶.۵۸درصدی تاریخی ایران بسیار بالاتر است. براساس آمار مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه در شهریور به مرز ۴۹ درصد نزدیک شد و کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که تا پایان سال از ۵۰ درصد عبور کند، به عبارت دیگر این نرخ تورم حاکی از آن است که قدرت خرید خانوارها به نصف رسیده است. اما در چنین شرایطی دولت برای کاهش هزینه‌های خود مجبور شده یارانه حمایتی برخی را قطع کند و احتمالا افزایش قیمت حامل‌های انرژی را به دستور کار بازگرداند. ظاهرا چاره‌ای نیست؛ قانون بودجه ۱۴۰۴ با سقف منابع ۱۱هزارو ۲۷۹ هزار میلیارد تومان در مجلس تصویب شده که از این میزان، منابع بودجه عمومی دولت پنج‌هزارو ۳۸۴ هزار میلیارد تومان و منابع بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت شش‌هزارو ۳۷۷ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. منابع بودجه عمومی دولت نیز شامل چهارهزارو ۵۹۶ هزار میلیارد تومان منابع عمومی و ۴۲۸ هزار میلیارد تومان درآمد اختصاصی دستگاه‌هاست. مقایسه این ارقام با قانون بودجه ۱۴۰۳ نشان‌دهنده رشد حدود ۹۳درصدی منابع عمومی دولت است اما این رشد لزوما به معنای افزایش واقعی منابع نیست؛ زیرا بخشی از آن ناشی از لحاظ‌کردن مواردی در سقف منابع است که در سال قبل وجود نداشته است، ازجمله استقراض از صندوق توسعه ملی، تأدیه بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی و انتشار اوراق بهادار برای تسویه بدهی‌ها. به هر روی گزارش مرکز پژوهش‌ها نشان می‌دهد این برآوردها دست‌کم ۵۵۵ هزار میلیارد تومان کسری دارد. علت اصلی بروز این کسری هم تحقق‌نیافتن درآمدهای نفتی، گمرکی و واگذاری شرکت‌هاست. وابستگی به نفت، خوش‌بینی در برآورد منابع و اتکای شدید به اوراق بدهی، مهم‌ترین چالش‌های بودجه محسوب می‌شوند.

قیمت نفت در سرازیری

در چنین شرایطی و اوج تحریم‌های نفتی ایران، قیمت جهانی نفت هم رو به کاهش است تا اوضاع درآمدهای نفتی ایران بیش‌ازاین نگران‌کننده شود. بنا بر اعلام مؤسسه مشاوره انرژی «ریتر بوش اند اسوشیتس»، با افزایش تدریجی تولید اعضای ائتلاف اوپک‌پلاس، توازن عرضه و تقاضا رو به کاهش است و بازار در نفت مسیر اشباع قرار دارد. ائتلاف اوپک‌پلاس در اوایل ماه جاری با افزایش ۱۳۷ هزار بشکه‌ای تولید روزانه تا پایان سال موافقت کرد، هرچند وعده داد در سه‌ماهه نخست سال آینده از افزایش بیشتر تولید خودداری کند اما این تصمیم، به باور کارشناسان، در کوتاه‌مدت برای کنترل قیمت‌ها کافی نیست و ممکن است فشار نزولی بر بازار ادامه یابد. این در حالی است که با ورود به شش‌ماهه دوم سال، فشارها و چالش‌های مالی در بودجه دولت بیش‌ازپیش محسوس شده است. افزایش هزینه‌های جاری، نیاز به پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان و تعهدات مالی دیگر، کسری دولت را بیشتر نمایش می‌دهد، با این حال راه‌هایی مثل دریافت مالیات در چنین رکود اقتصادی یا فروش اوراق، نیز مثل قبل دسترسی‌پذیر نیست.

بازار سرمایه در ماه‌های اخیر نوسانات متعددی را تجربه کرده و سطح نقدینگی موجود و حجم معاملات روزانه، ظرفیت محدودی برای جذب منابع جدید ایجاد کرده است. کارشناسان معتقدند که هرچند تا امروز اتفاق خاصی در تابلوی معاملات بورس رخ نداده، اما نمی‌توان احتمال ورود دولت به این بازار را منتفی دانست. برای مثال حسین مریدسادات، کارشناس بازار سرمایه، در گفت‌وگو با تجارت‌نیوز گفته: «اگر دولت تصمیم بگیرد از ظرفیت بورس برای تأمین نقدینگی استفاده کند، چند مسیر پیش‌رو دارد. عرضه سهام دولتی یکی از این مسیرهاست؛ اما باید توجه داشت که توان بازار سرمایه عددی مشخص است و در شرایط فعلی، حجم معاملات روزانه معمولا بین ۱۱ تا ۱۲ هزار میلیارد تومان است». به گفته او بازار بیش از این توان جذب عرضه‌های سنگین را ندارد و اگر دولت بخواهد از این طریق اقدام کند، فشار درخور توجهی به شاخص و قیمت سهام وارد خواهد شد، بنابراین محتمل‌ترین گزینه برای جبران کسری بودجه از بورس، همان روشی است که دولت در سال‌های گذشته نیز از آن استفاده کرده است، یعنی فروش اوراق بدهی به صورت اجباری؛ اقدامی که ظاهرا می‌تواند بخشی از منابع مالی دولت را تأمین کند، اما اثرات جانبی آن برای بازار سرمایه قطعا منفی است.

هم‌زمان در هفته‌های اخیر بانک‌ها برای تأمین مالی از بانک مرکزی تقاضای نقدینگی بیشتری کردند اما بانک مرکزی از بیم افزایش پایه پولی و تورم با کمتر از نیمی از آن موافقت کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد بانک مرکزی در تازه‌ترین عملیات بازار باز منتهی به ۱۲ آبان سال جاری با ۲۳۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی از درخواست بانک‌ها موافقت کرده است. در واقع با وجود کاهش جزئی در میزان درخواست منابع از سوی بانک‌ها، عطش نقدینگی در بازار بین‌بانکی همچنان بالاست؛ به طوری که حجم تقاضای بانک‌ها در بازار باز ۱۲ آبان به حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسید ولی از این رقم، فقط ۲۳۰ هزار میلیارد تومان یعنی ۴۶.۵۱ درصد از سوی بانک مرکزی تأمین شد. این مقاومت بانک مرکزی و نبود دسترسی به منابع مالی، رکودی عمیق‌تر از قبل ایجاد می‌کند، آن هم در شرایطی که دولت قصد دارد بخش بزرگی از منابع بودجه‌ای را با فروش اوراق به همین بانک‌ها تأمین کند. به باور تحلیلگران، سیاست پولی مؤثر زمانی محقق می‌شود که با سیاست مالی هماهنگ باشد اما در سال‌های اخیر، شکاف میان این دو حوزه باعث شده هرگونه انضباط ایجادشده در طرف بانک مرکزی، با افزایش هزینه‌های بودجه‌ای خنثی شود. تا زمانی که دولت برای جبران هزینه‌ها از منابع بانکی و بانک مرکزی استفاده کند، هرچقدر نرخ بهره بالا رود یا رشد پایه پولی محدود شود، اثر آن موقتی و ناکافی خواهد بود.

حالا به نظر می‌رسد دولت به یک بن‌بست بودجه‌ای خورده است؛ از یک سو تأمین درآمدهای بودجه با فشار تحریم و رکود تورمی دشوار شده است و از سوی دیگر با وجود علم بر فسادزابودن اقدامات حمایتی مثل سیاست ارز ترجیحی، نگرانی از واکنش‌های اجتماعی توان حذف این هزینه‌ها را برای سبک‌ترکردن بودجه ندارد. حالا زمزمه‌هایی هم از احتمال افزایش نرخ حامل‌های انرژی به عنوان تنها راه پوشش کسری دولت مطرح شده است؛ زمزمه‌هایی که این‌بار برخلاف همیشه تکذیب نمی‌شود. وزیر نفت که به‌تازگی برای ارائه عملکرد سال اول اجرای برنامه هفتم توسعه در حوزه انرژی به مجلس رفته بود، در حاشیه این حضور، درباره احتمال تغییر در قیمت بنزین یا سهمیه کارت‌های سوخت گفته: «بنده این مسائل را تکذیب نمی‌کنم؛ همه این موضوعات در حال بررسی کارشناسی است. گروه‌های مختلفی از خبرگان و متخصصان در حال جمع‌بندی نظرات هستند و هماهنگی و تعامل خوبی نیز با عزیزان مجلس شورای اسلامی وجود دارد».

عدم تحقق ۵۰درصدی فروش نفت و ۳۵درصدی درآمد مالیات

محمدتقی فیاضی، کارشناس اقتصاد، در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهد که دولت اکنون در یک بن‌بست درآمدی است. به گفته او از منظر درآمدی وضعیت دولت بسیار بد است، چراکه درآمد نفتی در شش تا هفت ماه اخیر حداقل ۵۰ درصد محقق نشده و مالیات نیز حداقل ۳۰-۳۵ درصد تحقق پیدا نکرده است. او می‌گوید: «هرچند ممکن است در نیمه دوم سال تحقق درآمدهای مالیاتی افزایش یابد، اما این تحقق به میزان ۱۰۰درصدی که در دو تا چهار سال گذشته بوده، بازنخواهد گشت. درباره اوراق مالیاتی و انتشار اوراق نیز در عمل یا خود بانک‌ها اوراق را می‌خرند یا به آنها فشار وارد می‌شود تا خرید کنند اما بانک‌ها هم به دلیل نداشتن منابع کافی به سراغ منابع بانک مرکزی می‌روند و همین مسئله، موجبات تورم را فراهم می‌آورد».

به باور این کارشناس از منظر مصارف نیز در عمل امکان کاهش هزینه‌ها به میزانی که روی کاغذ قابل تصور است وجود ندارد. به گفته او حتی اگر بخواهیم از بودجه بخش‌های حساسیت‌زا عبور کنیم، کاهش هزینه‌ها در سایر بخش‌ها هم دشوار است. به عنوان مثال، او اشاره کرد که ریاست‌جمهوری اعلام کرده است که این نهاد را با ۴۰۰ نفر می‌شود اداره کرد، درحالی‌که اکنون چهار هزار نفر نیرو دارد اما در عمل نمی‌توان سه هزارو ۶۰۰ نفر را یکباره بیکار کرد.

به گفته این کارشناس، اصلاحات در هزینه‌ها با موانع بزرگی مواجه است؛ زیرا منافع ذی‌نفعان در ساختار قدرت مانع از اجرای اصلاحات می‌شود. او توضیح داد: «در دولت فعلی هر گروه و جناح وزیر و نیروهای خود را دارد و حتی اگر رأی‌دهندگان یک جریان ۵۰ درصد شده باشند، نمایندگان آن لزوما اکثریت وزیران را در کابینه ندارند. اصلاحات هزینه‌ای نیازمند اجماع حاکمیتی است؛ یعنی تمام ارکان حکومت باید اتفاق نظر داشته باشند تا بتوانند پول و هزینه‌ها را اصلاح کنند. بودجه فقط دست دولت نیست و مجلس باید آن را تصویب کند، شورای نگهبان باید آن را تأیید کند و مجمع تشخیص نیز نظر می‌دهد؛ بنابراین دستیابی به راه‌حل عملی و مؤثر برای کاهش هزینه‌ها بسیار دشوار است. فیاضی معتقد است که دولت در نقطه‌ای از فشار قرار گرفته که دو انتخاب دارد: یا باید با تورم از جیب مردم بردارد و فشار را بر مصرف‌کنندگان و شهروندان منتقل کند یا اینکه مخارج خود را کاهش دهد که بعید است ذی‌نفعان بگذارند.

او گفت: «اخیرا بحثی در مجلس با حضور افرادی از جمله وزیر کار و رئیس مجلس مطرح شد، درباره کالابرگ و روش تأمین آن. خود گفت‌وگوها نشان می‌داد که برخی تصمیم‌گیران برای شرایط پیچیده تصمیمات ساده و روی کاغذ می‌گیرند و می‌گویند چنانچه پنج درصد یا ۳۰ درصد قیمت بنزین و گاز افزایش یابد، منابعی به دست می‌آید که در قالب کالابرگ به مردم بازمی‌گردد؛ اما این محاسبات ساده‌سازی شده‌اند و اصل مسئله پیچیده‌تر است». فیاضی به تجربه سیاست‌های حمایتی گذشته اشاره کرد؛ سیاست‌هایی مانند ارز ترجیحی یا باز گذاشتن دست بانک‌ها که در پرونده‌های فساد وسیع و ایجاد تورم نقش داشته‌اند.

او جلوه اصلی فساد را در تورم دانست و اظهار کرد که بزرگ‌ترین فساد، ایجاد تورم است. به‌زعم او تورم یک برداشت ناگزیر و ناعادلانه از جیب مردم است: پول مردم بدون اجازه و به‌طور نامتوازن برداشت می‌شود؛ کسانی که توان مالی ندارند بیشترین مالیات تورمی را می‌پردازند، در حالی که کسانی که دارایی و سرمایه‌دارند، از تورم سود می‌برند و نسبت به قبل ثروتمندتر می‌شوند؛ بنابراین استمرار سیاست‌های حمایتی بدون تمهیدات و اصلاحات ساختاری، فقط به افزایش فساد و نابرابری منجر خواهد شد. او همچنین تصریح کرد که وقتی نرخ تورم افزایش می‌یابد، لازم است همه قیمت‌ها به طور متناسب افزایش پیدا کنند؛ نرخ تسهیلات بانکی باید متناسب با نرخ تورم تعیین شود و قیمت انرژی هم نباید چندنرخی باشد. به گفته فیاضی، اگر قرار باشد به‌جای کنترل، صرفا قیمت‌ها سرکوب شوند، این سرکوب فقط تورم معوقه را تشدید می‌کند و در نهایت فشار بیشتری به مردم وارد می‌شود. درحالی‌که بودجه ۱۴۰۴ با وضعیتی برزخی مواجه است، وزیر وزیر امور اقتصادی و دارایی اعلام کرده که بودجه سال آینده نیز کسری دارد. او گفته: «در تدوین بودجه سال آینده، به دنبال این هستیم کسری بودجه را از طریق کم‌کردن هزینه‌های غیرضروری دولت، استفاده بهینه از منابع و نیز افزایش درآمدها به حداقل برسانیم». معاون اجرایی رئیس‌جمهور در پاسخ به این پرسش که دولت چقدر کسری بودجه دارد گفته: «کسری دارد. درآمدها کم محقق شده، ان‌شاءالله تدبیر می‌کنیم که مشکلی برای مردم پیش نیاید».

به گفته مسئولان قرار شده که در هفته آینده هر وزارتخانه‌ای که درآمدزاست مانند وزارت اقتصاد، وزارت نفت و حتی وزارت ارتباطات و وزارت نیرو راه‌های افزایش درآمد را بیان کنند و وزارتخانه‌های دیگر که هزینه‌ای هستند، راه‌های کاهش هزینه را مشخص کنند.

محمدتقی فیاضی، کارشناس اقتصاد در گفت‌وگو با «شرق»، توضیح می‌دهد که دولت اکنون در یک بن‌بست درآمدی است. به گفته او از منظر درآمدی وضعیت دولت بسیار بد است؛ چراکه درآمد نفتی در شش تا هفت ماه اخیر حداقل ۵۰ درصد محقق نشده و مالیات نیز حداقل ۳۰-۳۵ درصد تحقق پیدا نکرده است. درباره اوراق مالیاتی و انتشار اوراق نیز، در عمل یا خود بانک‌ها اوراق را می‌خرند یا به آنها فشار وارد می‌شود تا خرید کنند اما بانک‌ها هم به دلیل نداشتن منابع کافی به سراغ منابع بانک مرکزی می‌روند و همین مسئله، موجبات تورم را فراهم می‌آورد

یادداشت

حقوق شهر وساخت‌وسازهای غیرمجاز

رضا اسکندرزاده ثابت
کارشناس حقوقی شهرداری تهران

گسترش شهرنشینی در سال‌های اخیر باعث شده است ساخت‌وساز در شهرها با سرعت بیشتری انجام شود؛ اما آنچه نگرانی‌ها را افزایش داده، رشد ساخت‌وسازهای غیرمجاز در محدوده و به‌ویژه حریم شهرهاست؛ جایی که کنترل و نظارت دشوارتر است و تخلفات می‌تواند تأثیرات گسترده‌تری بر توسعه شهری بگذارد. شهرداری‌ها به عنوان نهادهای مدیریت شهری، وظیفه دارند هماهنگی در توسعه شهر، حفظ فضاهای عمومی و ایجاد نظم معماری و ساختمانی را بر عهده بگیرند؛ بااین‌حال، واقعیت میدانی نشان می‌دهد در بسیاری از شهرها، ساخت‌وساز بدون مجوز یا برخلاف ضوابط همچنان ادامه دارد و به مشکلی فراگیر تبدیل شده است.

ساخت‌وسازغیرمجازیعنی‌چه؟

هر نوع عملیات ساخت‌وساز که بدون گرفتن پروانه ساختمانی از شهرداری یا برخلاف شرایط و نقشه‌های مورد تأیید انجام شود، غیرقانونی است. مصادیق رایج آن عبارت‌اند از: احداث ساختمان بدون دریافت پروانه، افزایش تعداد طبقات یا زیربنا بیش از میزان مجاز، تغییر کاربری از مسکونی به تجاری یا برعکس و ساخت در حریم شهر یا اراضی کشاورزی اطراف شهر بدون مجوز.

این موارد فقط یک «تخلف شخصی» نیست، بلکه تضییع حق عمومی محسوب می‌شود.

چراساخت‌وسازغیرمجازافزایش پیدامی‌کند؟

علل مختلفی در این زمینه تأثیرگذار هستند: ۱. افزایش قیمت زمین و مسکن، ۲. پیچیدگی و طولانی‌بودن فرایند صدور پروانه، ۳. آگاهی‌نداشتن یا بی‌اعتنایی برخی افراد به قوانین، ۴. ضعف نظارت در حریم شهرها و ۵. نگاه درآمدی برخی شهرداری‌ها به جرایم ساختمانی.

این وضعیت باعث می‌شود برخی افراد تصور کنند «اول بساز، بعد جریمه بده و تمام»؛ درحالی‌که این برداشت، نه قانونی است و نه پایدار.

نقش کمیسیون ماده ۱۰۰

مطابق قانون شهرداری، تخلفات ساختمانی در کمیسیون ماده ۱۰۰ بررسی می‌شود. این کمیسیون می‌تواند دستور تخریب بنا یا اخذ جریمه نقدی یا توقف عملیات ساختمانی را صادر کند؛ اما در عمل، بسیاری از پرونده‌ها با پرداخت جریمه حل‌وفصل می‌شود؛ موضوعی که موجب انتقاد کارشناسان شده است، زیرا پرداخت جریمه نباید به مجوز ساخت غیرمجاز تبدیل شود.

حریم‌شهر؛ منطقه‌ای حساس

حریم‌شهرها به نوعی «حلقه حفاظتی» پیرامون شهر است و نقش مهمی در حفظ تعادل شهری دارد. ساخت‌وساز در حریم ممکن است موجب تغییر کاربری اراضی کشاورزی شود، به گسترش بی‌برنامه شهر منجر شود و هزینه‌های سنگینی در آینده برای ایجاد خدمات شهری به وجود آورد. بنابراین ساخت‌وساز در حریم بدون مجوز صریحا ممنوع است و باید جدی‌تر کنترل شود.

پیامدهای ادامه ساخت‌وسازغیرمجاز

۱. کاهش ایمنی ساختمان‌ها و افزایش خطرات جانی، ۲. ازدحام، ترافیک و فشار بر خدمات شهری، ۳. بی‌نظمی در سیمای شهری و معماری، ۴. تخریب باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی و ۵. افزایش اختلافات مالکیتی و حقوقی.

درواقع ساخت‌وساز غیرمجاز، فقط یک مسئله ساختمانی نیست؛ یک مسئله اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است.

راه‌حل چیست؟

کارشناسان بر چند راهکار کلیدی تأکید می‌کنند:

۱. شفاف‌سازی و الکترونیکی‌کردن صدور پروانه‌ها تا مردم مجبور به طی مراحل پیچیده و طولانی نباشند

۲. نظارت میدانی واقعی و پیوسته در حریم شهرها

۳. برخورد قاطع و بازدارنده، نه صرفا اخذ جریمه

۴. فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی عمومی

۵. کاهش هزینه‌های قانونی ساخت برای مردم.

تا زمانی که «ساخت‌وساز قانونی» سخت و پرهزینه باشد و «ساخت‌وساز غیرمجاز» کم‌ریسک و قابل جبران به نظر برسد، این چرخه ادامه خواهد یافت.